



طرح و لایطاب

امام خامنه ای (مد ظله العالی):

واقعا این کار (طرح ولایت) جزء کارهای بنیانی است، خیلی کارهای خوب داریم ولی بعضی کارهای خوب بنیان سازی است. به نظرم این طرح باید فراگیر شود

اساسی ترین و مهمترین راهبرد تحقق حوزه ی انقلابی

دفترچه آشنایی با طرح ولایت طلاب

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است...، جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.



ما به ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) این محبوب حقیقی انسان‌ها نزدیک شده‌ایم. جوانان خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند، این آینده قطعی شمامست.



امروز روزی است که باید آستین‌ها را بالا بزنیم و در یک جبهه‌ی فرهنگی وارد شویم، سلاح این جبهه **علم و تقواست...** من به شما برادران و خواهران، که با اخلاص در این دوره شرکت می‌کنید با اطمینان خاطر می‌گویم: **اگر آنچنان که شایسته است تلاش کنید و مسلح شوید، می‌توانید به مقام فرماندهی لشکر نبرد فرهنگی برسید و از یاران واقعی حضرت امام زمان (عج) واقع شوید.** بنده در این عمر شصت ساله طلبگی خویش، کاری پربرکت‌تر از **طرح ولایت سراغ ندارم.**





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ضرورت شناسی طرح ولایت در تحقق حوزه انقلابی

انقلاب اسلامی به عنوان یک نهضت مستمر در جهت رسیدن به اهداف نهایی خویش معنا یافته است. زنجیره‌ی منطقی اهداف انقلاب اسلامی ایران شامل تحقق انقلاب اسلامی، استقرار و استحکام نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، ایجاد جامعه‌ی اسلامی (کشور اسلامی) و در نهایت رسیدن به اُمت اسلامی (دنیای اسلام) است. با گذشت بیش از سه دهه از تحقق انقلاب اسلامی و با وجود تلاش‌های صورت گرفته، همچنان در تحقق سه مرحله اخیر کاستی‌های فراوانی وجود دارد.

در ادبیات راهبردی رهبران انقلاب اسلامی، تمدن اسلامی به عنوان هدف نهایی انقلاب اسلامی دانسته می‌شود و تمدن اسلامی دارای دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که بخش دوم به تعبیر امام خامنه‌ای (حفظه الله) بخش متنی، اصلی و اساسی تمدن می‌باشد که البته به نظر ایشان در این بخش تا کنون پیشرفت چشمگیری صورت نگرفته است. البته پیشرفت واقعی در نرم‌افزار یا همان فرهنگ ناب اسلامی نیازمند شناخت منزلت و عناصر آن می‌باشد که محققا آنچه اساس این هندسه نرم‌افزار تمدنی قرار می‌گیرد و اساس انسانیت و سعادت انسانی می‌باشد باورها و ارزش‌های مبتنی بر مبانی صحیح و مستحکم است.

بعد از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی و استمرار ارزش‌ها و باورهای دینی در جامعه، دشمنان اسلام حیات مادی خود را در خطر دیدند. از این رو، در صدد تضعیف و ایجاد انحراف در مبانی باورهای دینی نسل جوان برآمده، براندازی نرم اعتقادات فکری را با القائات افکار انحرافی همچون

(۱) عبارات به کاررفته، برگرفته از سخنان امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویان کرمانشاه به مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۴ می‌باشد؛ همچنین عبارات داخل پرانتز برگرفته از لفظ اولی‌ی عبارات در سخنرانی امام خامنه‌ای به مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۱ است که به نظر نخستین بار در سال ۱۳۷۹ بیان گردیده‌اند.



نسبیت و شکاکیت معرفتی، مادی انگاری جهان و انسان، نسبیت ارزشی، دموکراسی و ... طراحی کردند. یکی از راه کارهای اصلی مقابله با این توطئه‌ها، توسعه و گسترش معرفت و بصیرت دینی، بر پایه اندیشه‌های بنیادین اسلامی برای تقویت قدرت تحلیل منطقی و مستدل می‌باشد که در همین زمینه، دوره آموزش مبانی اندیشه اسلامی (طرح ولایت) طراحی شده است.

در این بین، ضرورت آشنایی و تعمیق مبانی اندیشه اسلامی برای طلاب حوزه‌های علمیه از آن جهت مضاعف است که این قشر فرهیخته در پاسخگویی متناسب نسبت به پرسش‌های متنوع و شبهات گوناگونی که از سوی جوانان، به ویژه دانشجویان و اساتید دانشگاه مطرح می‌شود، رسالتی بی‌بدیل را بر دوش دارد. مهمترین شرط مواجهه مطلوب با پرسش‌های اساسی فرهیختگان برخوردار از نظام فکری متناسب با اندیشه‌های ناب اسلامی و آشنایی با پایه‌های معرفتی تفکر غربی است. همچنین، اسلامی‌سازی دانشگاه به طور عام و علوم انسانی به طور خاص، از اساسی‌ترین وظایف طلاب و فضایی حوزه‌های علمیه است. درک صحیح اسلامی‌سازی علوم و چگونگی تولید علم دینی، مبتنی بر درکی صحیح از مبانی اسلام ناب است. بر این اساس، آشنایی و تعمیق مبانی اسلام ناب برای متولیان اصلی اسلامی‌سازی علوم، یعنی طلاب حوزه‌های علمیه امری لازم است.

پیرو فرمایشات مقام معظم رهبری و تأکید معظم له بر ضرورت نهضت نرم‌افزاری، دوره آشنایی با نظام تفکر دینی یا همان طرح ولایت با هدف رفع نواقص مذکور، از سوی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تحت اشراف آیت الله مصباح یزدی طراحی و خدمت مقام معظم رهبری پیشنهاد و ارائه گردید که معظم له ضمن موافقت با برگزاری دوره‌های مذکور این کار را جزء کارهای بنیانی دانستند و بر گسترش آن به منزله امری ضروری تأکید کردند. با توجه به تأکید معظم له بر ضرورت انقلابی ماندن حوزه‌های علمیه و با عنایت به این که لازمه‌ی این امر تعمیق باورها و ارزشهای اسلامی در قشر طلاب است و با توجه به نقشی که لازم است حوزه‌ی علمیه در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا کند طرح ولایت می‌تواند در زمینه‌ی تعمیق باورهای دینی نقش مهمی ایفا کرده و گام موثری در راستای این اهداف بزرگ باشد.

مهم‌ترین اهداف طرح ولایت عبارت است از:

- ۱- ارائه نظام صحیح تفکر دینی و دست‌یابی به معرفت دینی؛
- ۲- آشناسازی، تعمیق و تحکیم مبانی اندیشه اسلامی؛
- ۳- نقد اندیشه‌های باطل، انحرافی و معارض با مبانی اندیشه اسلامی؛
- ۴- تربیت نیروهای هم‌طراز انقلاب اسلامی؛
- ۵- تأثیر گذاری فرهنگی و عقیدتی در مراکز علمی و فرهنگی؛
- ۶- گسترش اعتقاد نظری و التزام عملی به ولایت فقیه بر اساس مبانی اندیشه اسلامی.





بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

فوری‌ترین ضرورت تفکر مذهبی

طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها، یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی است... مسائل فکری اسلام، به صورت پیوسته و به عنوان اجزای یک واحد، مورد مطالعه قرار گیرد و هر یک به لحاظ آن که جزئی از مجموعه دین و عنصری از این مرکب

و استوانه‌ای در این بنای استوار است و با دیگر اجزا و عناصر، هم آهنگ و مرتبط است و نه جدا و بی‌ارتباط با دیگر اجزا بررسی شود تا مجموعاً از شناخت این اصول، طرح کلی و همه‌جانبه‌ای از دین، به صورت یک ایدئولوژی کامل و بی‌ابهام و دارای ابعادی متناسب با زندگی چندبعدی انسان، استنتاج شود. «مقدمه کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»
۵۳/۸/۳

مبانی فرهنگ

این معرفت‌ها، این آگاهی‌ها - آشنایی با مبانی دین و مبانی فرهنگ محکم و استوار دینی - چیز خیلی عظیمی است؛ و به نظر من این طرح (ولایت) بایستی فراگیر شود. این‌گونه طرح‌ها آن قدر مفید و خوب و سازنده است که هرچه درباره‌ی آن سرمایه‌گذاری شود، به نظر من زیاد نیست. دنیای اروپا، دنیای مسلط امروز - که عمدتاً همان دنیای غرب و من تبعش هستند - مهمترین خلاً را دارند و آن، خلاء یک فکر، یک اندیشه‌ی راهنما و به اصطلاح متداول، یک ایدئولوژی است که متکی به یک فکر صحیح و یک تلقی درست از عالم وجود باشد. مهمترین خلاء آن‌ها نداشتن این است؛ لذا مرتب سعی می‌کنند ایدئولوژی‌های دروغی، درست و تزریق کنند. یک علت عمده‌ای که از این انقلاب می‌ترسند، همین است که این انقلاب، یک تفکر صحیح درست تعریف شده‌ی



متکی بر یک جهان بینی صحیح و یک تلقی مستدل و متین از آفرینش عالم دارد. (بیانات در دیدار طرح ولایت ۷۸/۰۶/۱۳)

ملاک بصیرت

این معرفت‌ها باید ملاک فعالیت سیاسی را هم به دست شما بدهد. در یک جامعه زنده همه موظف به تلاش سیاسی هستند. تلاش سیاسی غیر از سیاست‌زدگی است. غیر از سیاست‌بازی است. تلاش سیاسی یعنی؛ آگاه شدن از جریان کنونی جامعه و خطراتی که آن را تهدید می‌کند و مشخص کردن جبهه دوست و جبهه دشمن و گرفتن موضع مناسب در مقابل آن‌ها. این آن فهم سیاسی است که برای همه لازم است و باید با ملاک‌های ناشی از همین معرفت اسلامی باشد. اگر این ملاک‌ها در دست یک فعال سیاسی نباشد، جبهه‌ها را اشتباه می‌کند، جبهه حق و باطل را با هم مخلوط می‌کند، از هم تمیز نمی‌دهد. (بیانات در دیدار طرح ولایت ۸۱/۵/۱۷)

تمدن‌سازی امکان ندارد!

هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند. همین‌هایی که امروز شما ملاحظه می‌کنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، این‌ها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌ای هم بر دوش آن‌ها گذاشته شد. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد. (مقام معظم رهبری ۹۱/۷/۲۳)

فهم درست از مبانی اسلامی چکار می‌کند؟

تفکر فلسفی اسلام و فهم درست از مبانی اسلامی، کاری می‌کند که انسان در هر لحظه‌ای از لحظات، احساس می‌کند در کجای راه و به سمت کدام هدف حرکت می‌کند؛ قدرت تحلیل برای حوادث می‌یابد و وظیفه‌ی خودش را در هر شرایطی تشخیص می‌دهد. امروز باید جوان ما این‌گونه باشد. البته دشمن، خوشش نمی‌آید. دشمن هر جا چنین چیزهایی را مشاهده کند، هرطور بتواند با آن مبارزه می‌کند. (بیانات در دیدار طرح ولایت ۷۸/۰۶/۱۳)

مبنای همه‌ی معارف در ذهن و عمل

فلسفه‌ی اسلامی-همان‌طور که شما فرمودید و درست هم گفتید- فقه اکبر است؛ پایه‌ی دین است؛ مبنای همه‌ی معارف دینی در ذهن و عمل خارجی انسان است؛ لذا این باید گسترش و استحکام پیدا کند و بروید و این به کار و تلاش احتیاج دارد. (بیانات در دیدار گروهی از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۸۲/۱۰/۲۹)

مبانی اسلامی، قالب کلی و کیفیت اداره جامعه را معین می‌کند

معارف اسلامی فقط برای ذهنیات نیست. ما توحید اسلامی را فقط به این دلیل قبول نمی‌کنیم که یک واقعیتی است که خدا وجود دارد و یکی است و دو تا ندارد. ما در ذهنمان باید این را قبول داشته باشیم. مسأله توحید فقط این نیست. توحید اسلامی، شخصیت فردی ما را می‌سازد؛ روح‌ها و دل‌ها را شکل می‌دهد؛ عمل‌ها را معین می‌کند؛ ارتباطات بین بشری را ترسیم می‌کند؛ قالب کلی جامعه و کیفیت اداره جامعه‌ها را معین می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری ۸۳/۶/۹)





بیانات علامه مصباح یزدی (دامت برکاته)

حاصل کار و تلاش های عقبه های فکری نظام

دوره طرح ولایت و شش کتاب آن حاصل تلاش‌ها و فعالیت‌های ده‌ها نفر در طول ده‌ها سال است که از افکار علامه طباطبائی، شهید مطهری و حضرت امام (ره) در آن‌ها استفاده شده است و به تبیین مبانی اندیشه اسلامی پرداخته است.



طرح ولایت حاصل کار بزرگان انقلاب

انقلاب اسلامی ایران بزرگانی دارد که بیش از ۵۰ سال در راه مباحث اسلامی تلاش کردند که حاصل آن این مجموعه تفکرات دینی است که امروز طراحی شده است.

مسائل بنیادین که همه باید بدانند چیست؟

حاصل فهم بنده در طول قریب به ۷۰ سال حضور در حوزه‌های علمیه، این است که مسائل بنیادی‌ای که هر مسلمانی باید بداند، به شش دسته کلی تقسیم می‌شود که اولین آن‌ها معرفت‌شناسی و آخرین آن‌ها حکومت اسلامی است که این مجموعه مباحث امروز به نام طرح ولایت معروف شده است.

معارف اسلام نظام‌مند یا تفکیک شده

یک سؤال: ما درباره چیزهایی که مربوط به اسلام می‌دانیم چه رابطه‌ای بین



خود این‌ها قائلیم؟ چند فرض می‌شود؛ چند تا گزینه در این‌جا وجود دارد. یکی این که این‌ها مجموعه‌شان یک دسته گل‌اند، یکی گل رز است، یکی گل یاس، یکی گل زنبق. معرف دینی را همچون گل‌های متعددی فرض کنیم با رنگ و بوهای مختلف خوش‌رنگ و خوشبو هستند و مفید، اما ربطی به هم ندارند، ما این‌ها را کنار هم می‌گذاریم و دور آن نخ می‌بندیم؛ می‌شود دسته‌گل. اسلام یک دسته‌گل است بخشی‌اش گل رز است، بخشی‌اش گل یاس است و... اما خود گل‌ها در هم تأثیری ندارند؛ نه گل یاس از گل رز می‌روید، نه این آن را عوض می‌کند. هرکدام یک گل مستقلی هستند برای خودشان؛ این یک بینش. خب براساس این بینش اگر یک جامعه‌ای یک بخشی از این‌ها را داشته باشد، مثلاً اعتقاداتی داشته باشد یا اخلاق یا در فقه، طهارت و نجاست را خوب رعایت کند، خب یک بخشی از اسلام را دارد؛ چون این‌ها دسته‌گلی بود؛ لذا بخشی از گل‌ها را دارد بخشی را فاقد است.

نگرش دیگر نقطه مقابل این نگرش است. این طور که این معارف رابطه اصل و فرع دارد، رابطه ریشه و شاخه و برگ دارد. بخشی از این‌ها حکم ریشه درخت را دارد، بعضی معارف حکم تنه درخت را دارد، بعضی شاخه‌های اصلی، بعضی شاخه‌های خیلی نازک و ریز، بعضی برگ‌اند و بالاخره بعضی هم میوه‌اند؛ ولی این‌ها همه به هم مربوط‌اند. اگر شاخ و برگ نباشد میوه‌ای به وجود نمی‌آید. اگر ریشه بخشکد همه درخت از بین می‌رود. این هم یک تصویری است از ارتباط بخش‌های مختلف معارف اسلام به هم‌دیگر. اگر این را ما پذیرفتیم، دیگر آن نظر را نمی‌توانیم بپذیریم. اگر این درخت بخواهد باشد اول باید ریشه محکم داشته باشد. اگر ریشه خشکید دیگر آن‌ها عاریه‌ای است. *كَسَجْرَةٍ خَيْبَةٍ اجْتَثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ*، دوام نمی‌آورد خودش هم پا در هواست.

معارف اسلام چگونه است؟ آیا این‌ها رابطه ارگانیک با هم دارند؟ از ریشه چیزی می‌روید، تغذیه می‌شود، رشد می‌کند تا به میوه می‌رسد؟ یا نه این‌ها گل‌هایی هستند هر کدام طبق شرایط خاصی و احیاناً اتفاقی می‌رویند و ربطی به هم ندارند؟ شاکله صحیح اسلام در تعبیر قرآنی شجره هست. *ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجْرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ*. آن وقت: *تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا* دین رابطه اجزایش رابطه درخت است. ریشه دارد، تنه دارد، شاخ و برگ دارد، میوه دارد، گل‌های متنوعی نیست که جدا از هم باشند. این‌ها را با هم بچسبانیم یک نخ دورش ببندیم بگوییم یک دسته گل. نه خیر یک درخت هست.

حاصل عمر

تحقیقات و زحمات ۷۰ ساله بنده درحوزه علمیه همچون درختی است که میوه آن طرح ولایت است. این میوه را قدر بدانید و سبک نشمارید. (۹۴/۱۱/۸)





علامه طباطبایی و مطهری زمان



۷: یکی از خصوصیات آقای مصباح پرداختن به کارهای بنیانی است. شما بدانید اگر می‌گفتید برای این کار می‌خواهیم سراغ آقای مصباح برویم مشکل می‌دانستم ایشان قبول کنند، ولی بعد که شنیدم؛ واقعا خدا را شکر کردم. **کسی بهتر از ایشان را نمی‌توانید پیدا کنید.** ایشان هم از لحاظ علمی در سطح بالایی قرار دارند و هم از لحاظ معنوی. خیلی مهم است این وارستگی و صفای معنوی و

من خدا را شکر می‌کنم که چنین جلوه‌هایی وجود دارد. دیدار با شورای سیاست‌گذاری طرح ولایت ۱۳۷۵/۶/۲۰

۷: این فعالیت‌ها بزرگتر از حد توصیف و خارج از حد توقع است. مؤسسه‌ای مبارک و خوشحال کننده است. این همه ظرفیت و توان کار، مزدهای بزرگ است، البته اینها بر می‌گردد به خصوصیات برجسته و ممتازی که در شخص جناب آقای مصباح وجود دارد. من از سال‌های میانی دهه ۳۰ با ایشان آشنایی دارم و از همان زمان این ویژگی‌ها را در ایشان مشاهده می‌کردم. فضل، تقوا و اخلاص این‌ها چیزهای با ارزش و با عظمتی است و خداوند با این ویژگی‌هاست که به حرکتی برکت می‌دهد. چنانچه کار بر مبنای علم پایه‌گذاری بشود و نکننده‌ی کار، آن را با نیت خالص انجام دهد و خودش هم در عمل اهل تقوا و مراقبه باشد این‌هاست که یک جامعه را متبرک می‌کند. جناب آقای مصباح حقا و انصافاً از حسنات و ذخایر حوزه‌اند. رحمت خدا بر آن اساتیدی که بر ایشان تاثیر گذاشته‌اند و ایشان را تربیت کرده‌اند و رحمت و تفضل خدا بر خود آقای مصباح که منشأ این همه برکات‌اند... **این مؤسسه خوب، جامع و کامل می‌تواند از لحاظ تلاش پیگیر، خستگی ناپذیر، خالصانه و عالمانه**

الگوی برای حوزه باشد. سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار با اعضای هیأت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) ۱۳۸۹/۸/۳



✓ : بنده هم به سهم خودم قدر آقای مصباح را می دانم. واقعا می دانم که ایشان در کشور و برای اسلام چه وزنه‌ای هستند و حقا و انصافا ما امروز نظیر ایشان را حالا به این تعبیر بگویم خیلی نادر نظیر آقای مصباح ممکن است وجود داشته باشد با این وزانت علمی و عمق علمی و احاطه و وسعت و با این آگاهی و بینش و صفا. **این سه جهت در ایشان جمع است؛ هم علم، هم بصیرت به معنای حقیقی کلمه و هم صفا.** این سه تا با هم در وجود ایشان خیلی ارزشمند است. خداوند متعال انشاءالله وجود ایشان را برای ما و انقلاب محفوظ بدارد و وجود ایشان را سالم بدارد تا همه بتوانند از برکات ایشان استفاده نمایند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در منزل آیت‌الله مصباح یزدی ۱۳۸۹/۱۱/۲۰

✓ : من خواهش می کنم که یکایک برادران به این نکته توجه کنند که **معارف بایستی در سطح راقی و اعلی ارائه بشود.** معنای اعلی، پیچیده بودن نیست - پیچیده‌ترین حرف‌ها را می شود ساده بیان کرد- منظور ما متین‌ترین حرف‌هاست. **باید متین‌ترین و صحیح‌ترین و پیشرفته‌ترین حرف‌ها گفته بشود.** آن چیزی که من از معارف توقع دارم، این است. ممکن است شما بگویید که ما این را چگونه تأمین کنیم. شما باید یک گروه مشاوره‌ی محتوایی از مناسبترین شخصیت‌هایی که امروز می توانید پیدا کنید، داشته باشید؛ مثلاً از آقای مصباح دعوت کنید و اصرار هم بکنید؛ یا مثلاً از **شاگردان آقای مصباح دعوت کنید.** خوشبختانه یکی از موفقیت‌های آقای مصباح یزدی در قم این است که ایشان برخلاف خیلی از فضایی ما که فضولشان در خودشان منحصر مانده، فضلش در شاگردان خوب سرریز شده است.

بیانات در دیدار اعضای گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۲/۱۳

✓ : من ایشان را نزدیک به چهل سال است می شناسم و به ایشان ارادت قلبی دارم؛ فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب‌نظر در مسائل اساسی اسلام. اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مثل **مرحوم علامه‌ی طباطبایی، یا مرحوم شهید مطهری** استفاده کند، بحمدالله این شخصیت عزیز و عظیم، **خلاء آن عزیزان را در زمان ما پر می کنند.**

از بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان سبجی طرح ولایت ۱۳۷۸/۶/۱۳

✓ : لازم است تشکر کنم از معلمان و استادان و دست اندرکاران و مدیران این تلاش فرهنگی که بسیار با ارزش است، مخصوصاً از شخص جناب آقای مصباح که حقیقتاً یکی از وجودهای مبارک و مغتنم در دوره‌ی ما هستند و **منبع فکر و اندیشه‌ی بی غل و غش معارف اسلامی.** ان شاءالله خداوند به ایشان و دیگر دست اندرکاران توفیق ادامه‌ی این خدمت بسیار با ارزش را عنایت کند و وسیله‌ی بهره‌مندی هر چه بیشتر، گسترده‌تر و عمیق‌تر جوانان را از این سرچشمه‌های معرفت فراهم کند.

مقام معظم رهبری در جمع شرکت کنندگان در طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷





معرفی نظام محتوایی طرح ولایت طلاب

حجت الاسلام دکتر الهی راد | مدیر مرکز آموزش‌های آزاد مؤسسه امام خمینی (ره)

تمدن اسلامی مطلوب، تمدنی است که در قدم نخست از نرم‌افزار مطلوبی برخوردار باشد. دو بخش نرم‌افزاری تشکیل‌دهنده تمدن اسلامی عبارت است از بینش‌ها (تفکرات) و کنش‌ها (رفتارها). به عبارت دیگر، زمانی می‌توان به تمدن بزرگ اسلامی برسیم که هم اندیشه‌های حاکم بر جامعه و هم رفتارهای فردی و اجتماعی اعضای آن اسلامی باشد.

ارتباط ارگانیک نظام معرفتی نرم‌افزار اسلامی

از سویی، از آنجاکه نوع کنش‌ها متأثر از بینش‌ها هستند، باورها و ارزش‌ها برای نوع رفتارهای جامعه پایه محسوب می‌شوند. بنابراین، نوع رفتارهای افراد بستگی به نظام معرفتی آنها دارد. از سوی دیگر، از آنجا که نظام ارزشی باید ملاک واقعی داشته باشد، نمی‌تواند بدون توجه به باورها شکل بگیرد. به عبارت دیگر، باید‌ها و نبایدهای تمدن اسلامی ریشه در هست‌ها و نیست‌های آن دارد. ارزش‌های دینی از هم گسیخته نیست، به طوری که هر کسی هر چیزی را خوب یا بد بداند، با توجه به باورها، فقط چیزهایی خوب است که در نسبت با واقعیت ارزش مثبتی داشته باشد و چیزهایی بد است که در نسبت با واقعیت از ارزش منفی برخوردار باشد؛ یعنی ما از نسبت میان هست‌ها و نیست‌ها با سعادت انسان، خوب و بد را تشخیص می‌دهیم. با توجه به نکات فوق، در تمدن اسلامی به یک نظام بینشی و رفتاری منسجم نیازمندیم که به صورت



ارگانیک و پیوسته، باورها پایه برای ارزش‌ها هستند و ارزش‌ها نیز پایه برای رفتارها محسوب می‌شوند.

مراتب معرفتی نظام بینشی

یکی از مشکلات جدی ما امروزه عدم توجه به نظام معرفتی در اندیشه اسلامی است؛ زیرا:

اولاً؛ امور بینشی ما نظام‌وار و ارگانیک نیست. یعنی جوانان ما از یک نظام معرفتی دارای ساختار منطقی برخوردار نیستند؛ بلکه در نهایت یک شناخت‌های ازهم‌گسیخته‌ای دارند که با این روش، نظام و چارچوب بینشی آن‌ها شکل نمی‌گیرد. در نتیجه، اثر سوء آن را در حوزه رفتاری می‌گذارد. از این رو، ما به یک تفکر نظام‌مند نیازمندیم که از یک چارچوب منسجمی برخوردار باشد. این یعنی نگاهی سیستماتیک به دین.

ثانیاً؛ مبانی یا همان پایه‌های اصلی اندیشه اسلامی مورد توجه و اهتمام قرار نمی‌گیرد. در هیچ نظام معرفتی (در حوزه‌های فکری گوناگون علوم تجربی یا انسانی) معنا ندارد مبانی آن مورد غفلت قرار گیرد. آیا می‌توان بدون برخورداری از مبانی لازم، نظام اندیشه‌ای را تبیین و بر اساس آن الگو ارائه کرد؟ بالاتفاق در همه رشته‌های علمی هم سیستم وجود دارد و هم مبانی آن علم؛ زیرا هر نظریه‌ای مبتنی بر مبانی و اصولی است. چنانکه دانشمندان علوم تجربی، تلاش می‌کنند با استفاده از مبانی پذیرفته‌شده، دیدگاه‌های خویش را معقول جلوه دهند. مباحث بنیادین دین بصورت تخصصی در رشته‌هایی مانند فلسفه و کلام مطرح می‌شوند که آموختن آنها عموماً دشوار و نیازمند صرف زمانی طولانی است و به همین دلیل عموم جوانان از حاصل این تحقیقات عمیق بی‌بهره‌اند. طلاب باید بیاموزند که این معارف عمیق را ساده‌سازی کرده و حاصل آن را در اختیار عموم جوانان قرار دهند؛ کاری که علامه طباطبائی و شهید مطهری در آن پیشگام بوده و از این طریق خدمت شایانی به رشد دینی جوانان در آستانه انقلاب اسلامی کردند و شهرت ذهنی آن‌ها را نسبت به دیدگاه‌های انحرافی همچون مارکسیسم پاسخ گفتند. بر این اساس، تقدم اندیشه‌های بنیادین اسلامی بر سایر معارف اسلامی غیر قابل انکار است. هرگاه توانستیم مبانی اندیشه اسلامی را به نحو معقول و منطقی تبیین کنیم، می‌توان از الگوی جامع معرفت دینی سخن گفت. باید این واقعیت را قبول کنیم که خلأهای فوق در نظام اندیشه‌ای حوزه‌های علمیه وجود دارد و باید اصلاحش کرد. متأسفانه در نظام معرفتی طلاب نیز چنین چارچوب معرفتی شکل نگرفته است. وقتی طلاب از این نظام فکری برخوردار نباشند، قهراً در انتقال معارف دینی به دیگران توانایی شکل‌دهی نظام‌وار اندیشه اسلامی را نیز ندارند.



ارتباط منطقی میان مبانی اندیشه اسلامی

سیر منطقی اندیشه‌های بنیادین اسلامی به ترتیب عبارت است از: معرفت‌شناسی، خداشناسی فلسفی، انسان‌شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست. ارتباط ارگانیک و منطقی این محورهای شش‌گانه را به اختصار توضیح می‌دهیم:

ارائه مدل مطلوب جامعه اسلامی و اداره صحیح یک جامعه متوقف بر برخورداری از مبانی سیاسی است که بتواند اولاً؛ ماهیت حکومت و رابطه آن را با دین تبیین کند. ثانیاً؛ مشروعیت یا همان حق حکومت را مشخص کند. ثالثاً؛ مصادیق حق را در شرایط گوناگون کشف کند. رابعاً؛ به پرسش‌های اساسی در زمینه حکومت دینی، همانند آزادی و مشارکت سیاسی، حقوق متقابل حاکم و مردم، حدود و اختیارات حاکم، و ... پاسخ‌های مناسب ارائه کند. از این رو، نیازمند فلسفه سیاسی (مبانی ۶) هستیم. پاسخ صحیح در قبال مسائل فوق، به ویژه حق حکومت و نقش مردم و مصادیق حق در شرایط گوناگون متوقف بر تلقی صحیح از معنا، منشأ، اهداف و منابع «حق» است. روشن است تا زمانی که نتوانیم تحلیلی صحیح از حق، به عنوان مبانی برای مسائل فوق، ارائه کنیم، نمی‌توانیم تحلیل صحیح از سیاست مطلوب داشته باشیم. از این رو، نیازمند فلسفه حقوق (مبانی ۵) هستیم. به منظور تحلیل مناسب مفاهیم ارزشی که در دو حوزه فوق بکار گرفته می‌شود، همانند حق، باطل، خوب، باید، نباید، درست و نادرست (در جامعه بشری این مفاهیم بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند) نیازمند برخورداری از مبانی صحیح و منطقی از خود «ارزش» است. چه نسبتی میان ارزش و واقعیت وجود دارد؟ آیا امور ارزشی مطلق‌اند یا نسبی؟ ملاک کشف ارزش مثبت و تفکیک آن از ارزش منفی چیست؟ تا به این پرسش‌ها پاسخ صحیحی داده نشود، هیچ نظام حقوقی و سیاسی قابل دفاع نیست. برای مثال، در صورت پذیرش غیرواقع‌گرایی اخلاقی یا نسبیت اخلاقی، هر نظام سیاسی و حقوقی قابل پذیرش خواهد بود. در این صورت، اصرار و تأکید بر حکومت اسلامی لغو خواهد بود. از این رو، نیازمند فلسفه اخلاق یا ارزش‌ها (مبانی ۴) هستیم.

از آنجا که نظام ارزشی در نسبت با «انسان» تعریف می‌شود، باید تحلیلی صحیح از حقیقت انسان داشته باشیم. هر نوع نگاه به هستی انسان می‌تواند به نظام ارزشی خاصی منجر شود. آیا نظام ارزشی مبتنی بر انسان‌تک‌ساختی با دو ساختی یکسان است؟ به ویژه آنکه، هدف مطلوب از آفرینش انسان متوقف بر حقیقت وجودی انسان است. همچنین باور یا عدم باور به معاد کاملاً

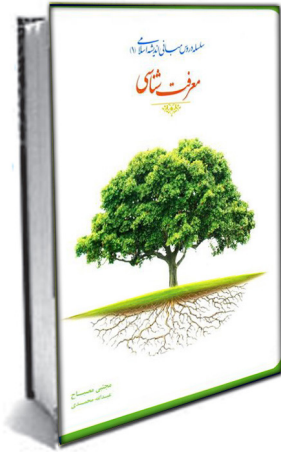


به نوع تلقی از وجود انسان بستگی دارد. هر نوع هدف‌گذاری نسبت به وجود انسان، بایدها و نبایدها، و خوبها و بدیهای خاصی را می‌طلبد. از این رو، نیازمند انسان‌شناسی (مبانی ۳) هستیم. جایگاه انسان در جهان هستی نیز در تحلیل صحیح هدف انسان تأثیر جدی دارد. آیا انسان موجود مستقل و قائم به ذات است، یا خود وابسته به موجود دیگری است؟ آیا انسان خود آفریننده خویش است یا نیازمند مبدئی در آفرینش (خداوند) است. در صورت وجود مبدأ آفرینش، چه نسبتی میان انسان و خالق او وجود دارد؟ خالق انسان چه ویژگی‌هایی دارد؟ تأثیر این موضوع در مباحث انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی بسیار اساسی است. برای مثال، در صورت وجود خداوند، انسان موجودی وابسته خواهد بود؛ در نتیجه، باور به وجود خداوند هم در تشخیص کمال مطلوب و هدف نهایی آفرینش انسان تأثیر خواهد گذاشت و هم در نوع نظام ارزشی. نظام حقوقی و سیاسی در صورت وجود خداوند و عدم آن کاملاً متفاوت خواهد بود. از این رو، نیازمند مباحث هستی‌شناسی یا خداشناسی فلسفی (مبانی ۲) خواهیم بود. در نهایت، از آنجا که در همه موضوعات فوق و همچنین سایر موضوعاتی که جزو مبانی به حساب نمی‌آیند، عنصر اساسی «شناخت» مطرح می‌شود، باید نسبت به اصل شناخت و ملاک‌های آن تحلیلی صحیح داشته باشیم. آیا شناخت یقینی ممکن است؟ از کجا معلوم همه شناخت‌های ما نادرست نباشد؟ در صورت امکان شناخت یقینی، چه ملاکی برای دسترسی به این نوع شناخت وجود دارد؟ چگونه می‌توان به فهم صحیح دسترسی داشته باشیم؟ از کجا معلوم همه شناخت‌های ما نسبی و وابسته به شرایط ذهنی (نسبیت معرفتی) نباشد؟ بر اساس پرسش‌های فوق باید نسبت به وضعیت معرفت‌های دینی داوری صحیحی داشته باشیم؟ در صورتی که معرفت یقینی ممکن نباشد و راهی برای تشخیص معرفت درست از نادرست نباشد، در نتیجه هیچ معرفت دینی (حتی وجود خدا و معاد) قابل اعتمادی وجود نخواهد داشت. از این رو، همه آنچه در باب خدا، انسان، ارزش، حقوق، سیاست و هر شاخه معرفتی دیگر گفته می‌شود، غیرقابل اعتماد خواهد بود. لازمه چنین نگاهی به معرفت، نفی هرگونه نظام معرفتی خواهد بود. از این رو، نیازمند معرفت‌شناسی (مبانی ۱) هستیم.

چنانکه بیان شد، این نظام فکری مبانی به صورت ارگانیک است که به نحو منطقی به یکدیگر وابسته‌اند. تا تکلیف پایه‌های قبلی مشخص نشود، بحث از پایه‌های بعدی لغو خواهد بود. این طرح ویژه طلاب گرامی در دو سطح طراحی گردیده است که سرفصل‌های آن به شرح زیر است:



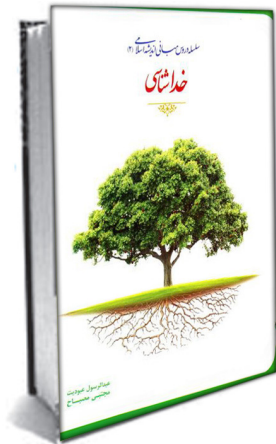
۱- معرفت شناسی (مبانی اندیشه اسلامی ۱)



- درس اول: کلیات
- درس دوم: علم حضوری
- درس سوم: ارزش علم حضوری
- درس چهارم: علم حصولی
- درس پنجم: ارزش علم حصولی
- درس ششم: راههای معرفت (۱)
- درس هفتم: راههای معرفت (۲)
- درس هشتم: شک گرایی و نسبیت گرایی
- درس نهم: هرمنوتیک فلسفی
- درس دهم: ارزیابی معرفت دینی
- درس یازدهم: تعدد قرائتها

۲- خدانشناسی (مبانی اندیشه اسلامی ۲)

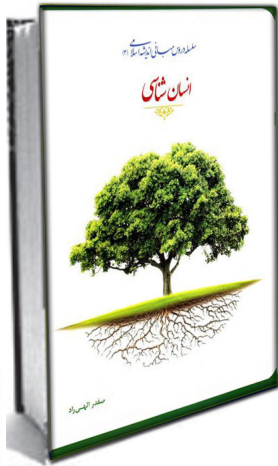
بخش اول: مبانی فلسفی خدانشناسی



- درس اول: وجوب، امتناع و امکان
- درس دوم: اصل علیت
- درس سوم: اقسام علت
- درس چهارم: وجودبخشی علت فاعلی
- درس پنجم: نتایج اصل علیت
- درس ششم: امتناع تسلسل و دور
- بخش دوم: خدانشناسی**
- درس هفتم: اثبات وجود خداوند
- درس هشتم: کمال مطلق و یکتایی خداوند
- درس نهم: اوصاف سلبی
- درس دهم: اوصاف ثبوتی
- درس یازدهم: جبر و اختیار
- درس دوازدهم: حکمت خداوند



۳- انسان شناسی (مبانی اندیشه اسلامی ۳)



درس اول: کلیات

درس دوم: ساختهای وجودی انسان

درس سوم: سرشت انسان

درس چهارم: حیات انسان پس از مرگ

درس پنجم: هدف آفرینش انسان

درس ششم: نیاز انسان به راه سعادت و هدایت الهی

درس هفتم: آخرین هدایت الهی

درس هشتم: جامعیت و جاودانگی اسلام

درس نهم: امامت

درس دهم: مهدویت

۴- فلسفه اخلاق (مبانی اندیشه اسلامی ۴)



درس اول: کلیات

درس دوم: مفاهیم اخلاقی

درس سوم: ارزش و واقعیت

درس چهارم: اطلاق و نسبت اخلاق

درس پنجم: مکاتب اخلاقی غیر واقع گرا

درس ششم: مکاتب اخلاقی واقع گرا

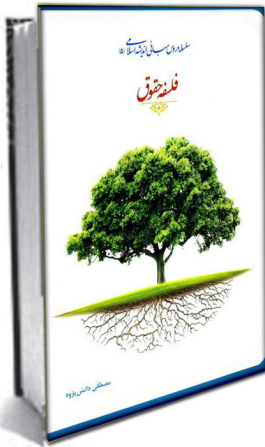
درس هفتم: اثبات واقع گرایی اخلاقی

درس هشتم: معیار ارزش اخلاقی

درس نهم: ارزیابی صفات اکتسابی و کارهای اختیاری (۱)

درس دهم: ارزیابی صفات اکتسابی و کارهای اختیاری (۲)

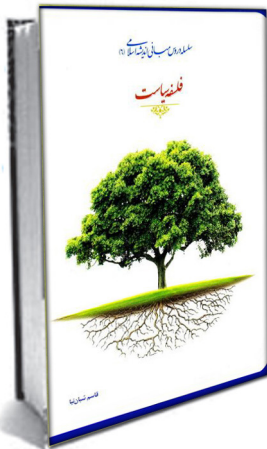
۵- فلسفه حقوق (مبانی اندیشه اسلامی ۵)



درس اول: کلیات تعاریف و اصطلاحات
درس دوم: شناخت حقوق موضوع بحث
درس سوم: رابطه حقوق با اخلاق و دین به طور عام
درس چهارم: رابطه حقوق و دین اسلام به طور خاص
درس پنجم: مکاتب حقوقی (۱): مکتب حقوق طبیعی
درس ششم: مکاتب حقوقی (۲): مکتب حقوقی پوزیتیویستی
درس هفتم: مکاتب حقوقی (۳): مکتب حقوق اسلام
درس هشتم: نظام های حقوقی
درس نهم: ویژگی های نظام حقوقی اسلام
درس دهم: منابع حقوق اسلام

درس یازدهم: حقوق بشر (۱): اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و نقد کلی آن
درس دوازدهم: حقوق بشر (۲): مقایسه ی حقوق بشر اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر

۶- فلسفه سیاست (مبانی اندیشه اسلامی ۶)

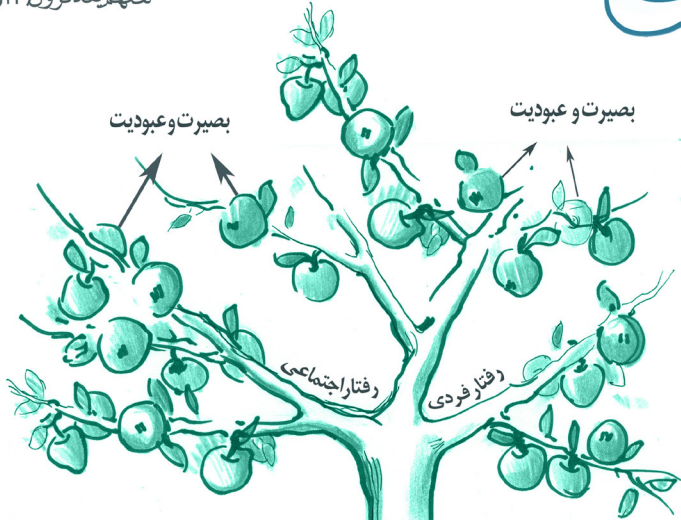


درس اول: مفاهیم و کلیات
درس دوم: اسلام و سیاست
درس سوم: مشروعیت حکومت
درس چهارم: جایگاه مردم در حکومت اسلامی
درس پنجم: تبیین مفهومی و ادله ولایت فقیه
درس ششم: پیشینه ولایت فقیه
درس هفتم: شرایط و چگونگی تشخیص ولی فقیه
درس هشتم: گستره ی اختیارات ولی فقیه
درس نهم: کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه



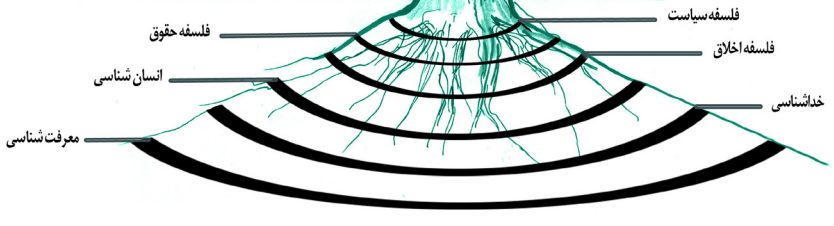
طرح ولایت

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٤٥﴾ سوره مبارکه ابراهیم (مهدیه)



آیا آرمان واقعی اهل بیت عليهم السلام جامعه پردازی و تمدن سازی اسلامی بوده است؟ آیا حوزه علمیه را مسئول بخش نرم افزار تمدن (فرهنگ و سبک زندگی) می دانید؟ آیا فرهنگ و سبک زندگی یا معارف اسلام نظام مند می باشد یا تفکیک شده و سکولار؟ عناصر اصلی فرهنگ مستحکم دینی و محتوا و نظم آن چیست؟ در این دوره ان شاء الله پاسخ این پرسش ها را تحت اشراف علامه طباطبائی و شهید مطهری زمان (استاد علامه مصباح یزدی داده خواهد شد

در صورت تمایل به همکاری با ستاد خودجوش طرح ولایت طلاب جهت فراگیر سازی طرح در سراسر کشور با ما تماس بگیرید.



آیا معارف اسلام را به صورت مجموعه ای از گل های معطر و زیبا می شناسیم که با طنابی به شکل دسته گل درآمده است یا یک اندامواره ی ارگانیک و طبیعی که ریشه دارد و تنه و شاخه و میوه ی مخصوص خود را می دهد؟

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی):

طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها، یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی است... مسائل فکری اسلام، به صورت پیوسته و به عنوان اجزای یک واحد، مورد مطالعه قرار گیرد و هر یک به لحاظ آن که جزئی از مجموعه دین و عنصری از این مرکب و استوانه‌ای در این بنای استوار است و با دیگر اجزا و عناصر، هم آهنگ و مرتبط است و نه جدا و بی‌ارتباط با دیگر اجزا بررسی شود تا مجموعاً از شناخت این اصول، طرح کلی و همه‌جانبه‌ای از دین، به صورت یک ایدئولوژی کامل و بی‌ابهام و دارای ابعادی متناسب با زندگی چندبعدی انسان، استنتاج شود.

«مقدمه کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن ۵۳/۸/۳»

ستاد طرح ولایت طلاب

نشانی: قم، بلوار امین، مدرسه علمیه معصومیه، ساختمان شهید
پهشتی ستاد طرح ولایت طلاب
تلفن: ۰۹۹۰۷۶۷۳۰۸۶